



kalam-e-Imamiyya

سال چهارم / شماره اول / بهار و تابستان ۱۴۰۳

Biannual Journal of Kalam-e Imamiyya

Vol. 4, No. 1, Spring & Summer 2024

جایگاه احادیث ضعیف در منظومه اعتقادی امامیه

(فواید ثبوتی و اثباتی احادیث ضعیف و نقد روشی استفاده از آن)

هابیل جوانی*

چکیده

پیرامون کاربرد حدیث در شکل‌دهی منظومه فکری امامیه، بین اندیشمندان از چند جهت اختلاف نظر وجود دارد. این مقاله از میان اختلاف نظرها به طور خاص به امکان استفاده از احادیث ضعیف در شکل‌دهی منظومه اعتقادی امامیه پرداخته است و برای تحقق این هدف، بین مقام ثبوتی و اثباتی در استفاده از این احادیث تفاوت قائل شده و این دو مقام را به صورت جداگانه بررسی کرده است. در نهایت مشخص شد که اگر در اثر تبیین، وثوق عقلایی نسبت به احادیث ضعیف حاصل شد، در نگرش اثباتی حجت خواهند بود و اگر حجیتشان ثابت نشد، باز هم در نگرش ثبوتی فایده‌های زیادی دارند (مانند زمینه‌سازی برای کشف حقایق و تقویت معنای احتمالی در منظومه فکری).

واژگان کلیدی: احادیث ضعیف، منظومه اعتقادی امامیه، فواید حدیث ضعیف، جایگاه حدیث ضعیف

مقدمه

روایات معصومین علیهم‌السلام یکی از منابع مهم برای شکل‌دهی منظومه فکری و اعتقادی امامیه است؛ ولی در طول تاریخ با انگیزه‌های مختلف (معرفت، ۱۴۱۸، ج ۲: ۳۵؛ قاسمی، ۱۳۹۹: ۱۵۱-۱۵۲؛ جلالیان، ۱۳۷۸، ۱۰۶) - مانند انتقام‌جویی از اسلام، رسیدن به منافع سیاسی، فرقه‌ای و قومی، بزرگداشت خود و یا تشویق مردم به دین - احادیث به نام معصومین علیهم‌السلام جعل شده و به جوامع حدیثی مسلمانان راه یافته است (فضلی، ۱۳۸۴، ۱۲۸). از این رو نقد حدیث از ضروریات حدیث‌پژوهی است (طوسی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۸۹؛ حکیم، ۱۴۱۷: ۳۲۹) که باعث جدا شدن حدیث معتبر از ضعیف و موجب گسترش عرصه تحقیق در آن می‌شود.

حجیت روایات متواتر و خبر واحد محفوف به قرینه قطعی در شکل‌دهی منظومه فکری امامیه مورد قبول بیشتر علمای امامیه است؛ ولی در مورد حجیت خبر واحد معتبر در منظومه فکری امامیه، اختلاف شده است. بعضی از علمای امامیه فقط احادیث قطعی را در استنباط اعتقادات امامیه حجت می‌دانند؛ ولی بعضی دیگر حجیت خبر در استنباط اعتقادات را به احادیث قطعی منحصر نمی‌دانند. گروه اخیر دو دسته‌اند؛ یک‌دسته، خبر ثقه و دسته دیگر خبر موثق را حجت می‌دانند. این مقاله بر مبنای حجیت احادیث مورد وثوق در سیره عقلا به بررسی جایگاه احادیث ضعیف در شکل‌دهی منظومه فکری امامیه می‌پردازد و بحث از حجیت احادیث مورد وثوق را به منابع مربوط به این موضوع واگذار می‌نماید (معرفت، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۲۷؛ احسانی‌فر، ۱۳۸۷: ۳-۲۴). در واقع این مقاله درصدد بیان این موضوع است که وقتی در بررسی سندی روایات اعتقادی با روایات فراوانی مواجه می‌شویم که بسیاری از راویان آنها مجهول یا مهمل هستند، به راحتی نمی‌توان این مجموعه از روایات را کنار گذاشت.

منظور از احادیث ضعیف، همه انواع روایات ضعیف است که متواتر یا محفوف به قرائن قطعی نیستند و از طریق راویان مورد اعتماد در همه طبقات به ما نرسیده‌اند. این دسته از روایات، اقسام مختلفی دارند و به اعتبار شرایط و خصوصیات مختلفی که پیدا می‌کنند، اصطلاحات خاصی برای آنها وضع شده است (مامقانی، ۱۴۱۱، ج ۱: ۳۱۹-۴۱۹)؛ ولی در یک دسته‌بندی کلی، می‌توان آنها را در دو بخش سند حدیث و دلالت و محتوای آن بررسی کرد.

۱. ضعف در سند حدیث؛ اصطلاحات زیادی (مؤید، ۱۴۲۳، ج ۱: ۱۶۰) در بیان خبر



ضعیف از لحاظ سندی به کار رفته است که برای طولانی‌نشدن بحث، در چند دسته کلی بیان می‌شود:

الف) حذف برخی از روایان سند حدیث؛ در اخبار زیادی مشاهده می‌کنیم که همه روایان آن بیان نشده است. در این‌گونه اخبار، راوی ممکن است از اول سند، یا از وسط و یا از آخر آن حذف شده باشد و محذوف یک نفر و یا بیشتر باشد. هریک از این حالات اصطلاح خاص خود را دارد؛ مانند: منقطع، مرسل، مرفوع و... که به خاطر اختلاف نظر در این اصطلاحات، توضیح بیشتر آن به منابع درایه ارجاع داده می‌شود (عاملی، ۱۳۶۸، ۵۹-۴۵).

ب) مورد اعتماد نبودن راوی؛ در برخی روایات ضعیف، همه روایان ذکر می‌شوند؛ ولی عدالت، وثاقت یا حسن حال حداقل یکی از روایان حدیث احراز نمی‌شود. اصطلاحاً به چنین خبری «ضعیف» می‌گویند (عاملی، ۱۳۶۸، ۲۴؛ میرداماد، بی‌تا، ۴۲؛ مامقانی، ۱۴۱۱، ج ۱: ۱۷۷؛ عاملی، ۱۴۰۱، ۹۸) که خود حالت‌های مختلفی دارد (سبحانی، ۱۴۲۴، ۱۱۸؛ حسینی قزوینی، ۱۴۲۴، ۶۴؛ بروجردی، ۱۳۸۰، ۱۰۸).

۲. ضعف در مضمون حدیث؛ نقد حدیث در شیوه بررسی سندی - رجالی منحصر نیست و یکی از راه‌های شناخت حدیث، بررسی مضمون (حسینی سیستانی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۱۱-۱۲؛ مامقانی، ۱۴۱۱، ج ۱: ۱۸۲؛ قربانی، ۱۳۷۰، ۲۷۸) و محتوای حدیث از لحاظ قوت و ضعف است.

قرینه‌های خارج از سند، نقش مهمی در نقد حدیث دارند. در میان آن قرینه‌ها نیز همچنان که رکیک بودن لفظ و قرینه‌های دال بر ضعف، موجب بی‌اعتباری صدور حدیث می‌شوند، قرائن متنی و مضمونی دال بر علو مضمون نیز صدور حدیث را استحکام می‌بخشند. بنابراین، پژوهشگر اسلامی نباید به صرف ضعف سند، حدیث را مجعول بداند؛ چنان‌که نباید به صرف قوت سند، آن حدیث را قطعی‌الصدور و معتبر بشناسد.

از جمله احادیث ضعیف به لحاظ مضمونی می‌توان به این موارد اشاره کرد (بروجردی، ۱۳۸۰، ۷۹؛ سبحانی، ۱۴۱۹، ۵۵ و ۶۰؛ نوروزی، ۱۳۸۹، ۳۷؛ عاملی، ۱۴۰۱، ۱۱۲ و ۱۸۰): ۱. احادیث مورد اعراض؛ ۲. مخالفت حدیث با قرآن؛ ۳. مخالفت حدیث با سنت قطعی؛ ۴. مخالفت حدیث با عقل؛ ۵. احادیث مضطرب در متن.

مباحث در این مقاله برای روشن‌شدن جایگاه احادیث ضعیف در شکل‌دهی منظومه فکری امامیه در دو بخش سامان یافته است: ۱. نقد، تأویل و دفاع از حدیث ضعیف؛ ۲. فواید احادیث ضعیف در منظومه فکری امامیه.

نقد، تأویل و دفاع از حدیث ضعیف

گاهی در استفاده از حدیث ضعیف در استنباط اعتقادات امامیه، افراط و تفریط‌هایی صورت گرفته است. برخی به عنوان اینکه این روایات ضعیف هستند، بدون کمترین توجهی از کنار آنها گذشته و یا حتی به شدت به آنها حمله کرده‌اند و برخی فقط به صرف اینکه روایت است، آن را در استنباط اعتقادات تلقی به قبول کرده‌اند. برای روشن شدن امکان یا عدم امکان استفاده از حدیث ضعیف، باید روش درست «نقد، تأویل و دفاع از حدیث ضعیف» مشخص شود. برای ورود به این بحث، ابتدا لازم است نوع نگرش و رویکرد به حدیث و فرق بین حدیث ضعیف و مجعول مشخص شود تا در نقد و دفاع از آن خلط نشود.

نگرش اثباتی و ثبوتی در نقد حدیث

در مورد حدیث با دو نگرش می‌توان پژوهش نمود (احسانی‌فر، ۱۳۸۴، ۱۲۴) که ابتدا مقصود از هر کدام توضیح داده خواهد شد:

۱. نگرش اثباتی یا منتقدانه؛ مقصود از نگرش اثباتی در این مقاله، نگرشی علمی - پژوهشی و منتقدانه به حدیث است که آن با دید اثبات یا نفی سند و درستی مفاد حدیث از معصوم مورد پژوهش قرار می‌گیرد. در نتیجه امکان کاربرد آن حدیث و حجیت آن ثابت می‌شود. حال ممکن است صدور و درستی مفاد حدیث با قطع و یقین احراز شود و ممکن است در برخی از حوزه‌های پژوهش به دلیل معتبری کمتر از یقین بسنده شود. همچنین ممکن است به دلیل نامعتبری برسیم و حدیث را حجت ندانیم، گرچه آن را انکار هم نکنیم.

۲. نگرش ثبوتی یا پژوهشی محض؛ مقصود از نگرش ثبوتی در این مقاله، آن است که پژوهشگر با هدف رسیدن به حقیقت امر در مورد متن و سند احادیث پژوهش می‌کند و دغدغه کاربرد نتایج ندارد؛ بلکه منظور او، رسیدن به واقع و حقیقت حال حدیث از نظر صدور یا دلالت است و پژوهشگر به دور از تسامح عرفی و تعبد شرعی در مورد واقع حال حدیث به هر نتیجه‌ای برسد، حدیث را در همان جایگاه می‌نشانند و هدف او رسیدن به واقع امر در مورد متن و سند حدیث است که حقیقت علمی محض می‌باشد.

برخی به دلیل نداشتن شناخت کافی از ماهیت و قلمرو این دو نگرش پژوهشی و مقتضیات آنها، دچار اشتباه در نقد یا دفاع از حدیث شده‌اند؛ ولی عالمان اصولی و اخباری که ماهیت و مقتضیات این دو نگرش را می‌دانستند، وقتی با حدیثی که مشکل



سندی یا دلالی داشت برخوردار می‌کردند، درعین حال که از پذیرش و استدلال به این احادیث غیرمعتبر امتناع می‌کردند، از انکار آن هم در جایی که احتمال صحت و صدور حدیث وجود داشت، اجتناب می‌نمودند (طوسی، ۱۴۱۷، ج: ۱، ۱۴۶).

نقد و دفاع اثباتی در محتوای حدیث

در نقد و دفاع اثباتی از محتوای حدیث، باید مطابقت و عدم مطابقت آن با ادله اثباتی معتبر در آن حوزه پژوهش، بررسی شود؛ در نتیجه در حوزه کلام و عقاید، احادیث مورد وثوق عقلایی کاربرد خواهند داشت و تا زمانی که حدیثی به این درجه از اعتبار نرسد، در استنباط عقاید قابل استفاده نخواهد بود. علاوه بر احراز سند، اعتبار دلالی و مضمون حدیث هم باید شرایطی داشته باشد (ایرانی قمی، ۱۳۷۱، ۱۲۶) تا حجیتش ثابت شود.

نقد و دفاع ثبوتی در محتوای حدیث

نقد محتوای حدیث یا دفاع از آن به وجود یقین یا احتمال صدور یا عدم صدور آن بستگی دارد (احسانی فر، ۱۳۸۴، ۱۳۵)؛ یعنی درستی و نادرستی آن در مقام نفس الامری در نظر گرفته می‌شود. پس اگر به نادرستی مضمون حدیث یقین حاصل شد، می‌توان آن را رد یا انکار کرد و چنانچه نادرستی حدیث محتمل بود، به همان میزان احتمال، محتوای حدیث نقد می‌شود و چنانچه این مقدار احتمال نادرستی هم باعث سقوط آن از حجیت شود، حدیث مزبور در مقام اثبات هم بی اعتبار خواهد شد؛ ولی باز هم نمی‌توان این حدیث را معقول شمرد و انکار کرد (رستمی، ۱۳۸۰، ج: ۱، ۸۵ و ۹۱).

همین طور در مقام دفاع ثبوتی از محتوا، چنانچه یقین به درستی و صدور حدیث بود، با بیان علمی و منطقی از آن دفاع و چنانچه صدور و درستی آن محتمل بود، به میزان احتمال، از حدیث دفاع می‌کنیم. در نتیجه اگر دلیل اثباتی که قطعی نیست بر نادرستی آن حدیث وجود داشته باشد و کسی آن را از اصل انکار نماید، با تقویت احتمال درستی و صدور حدیث، نادرست بودن انکار حدیث را تقویت و احتمال درستی و صدور آن را اثبات می‌کنی؛ اما درعین حال به نبود نصاب لازم برای معتبر شمردن آن حدیث اعتراف می‌نماییم. بنابراین، اثبات بی اعتباری حدیث در مقام اثبات با دلیل معتبر غیرقطعی، نیاز ما را در مرحله کاربرد برطرف می‌سازد و بی اعتباری حدیث در عمل ثابت می‌شود؛ ولی چنین دلیلی باعث دگرگونی واقع نمی‌شود و احتمال درستی آن حدیث را منتفی نمی‌سازد. در نتیجه هر چند احتمال صدور چنین حدیثی از معصوم ضعیف باشد، نمی‌توان آن را در مقام ثبوت انکار کرد (سبحانی، ۱۴۲۴، ۱۲۴)، بلکه باید به انکار آن در مقام اثبات بسنده و

حدیث را فاقد شرایط اعتبار و حجیت اعلام نمود. در روایات فراوانی (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۴۰۱ و ج ۲: ۲۲۳؛ صفار، ۱۴۰۴، ج ۱: ۲۲، ۵۳۷ و ۵۳۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۱۸۶؛ صدوق، ۱۳۷۶، ۴۲۰) از انکار و رد روایاتی که احتمال صدور آن از معصوم وجود دارد، منع شده و سند برخی از آنها صحیح است.

هر خبر ضعیفی دروغ و مجعول نیست؛ چه بسا حدیثی که در عین ضعیف بودن از معصوم صادر شده است، ولی نمی‌توانیم حجیت و یا صدور آن را ثابت و به آن عمل کنیم. از این رو، در حدیثی از ابوبصیر از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام آمده است که حدیثی را که مرجئی مذهب یا قدری مسلک و یا خارجی مرام برای شما آورد و آن را به ما نسبت داد، تکذیب نکنید؛ زیرا شما نمی‌دانید شاید حدیث حق و صحیح باشد؛ آن وقت بدین ترتیب حق ﷻ را در فوق عرشش تکذیب کرده‌اید (صدوق، بی تا، ج ۲: ۳۹۵). همچنین روایانی که برای ما مجهول هستند، ممکن است واقعاً موثق باشند و وثاقتشان برای ما محرز نشده باشد. چنین روایتی را اصطلاحاً ضعیف می‌نامیم، ولی هیچ وقت نمی‌توان به دلیل عدم احراز وثاقت راوی ادعا کرد که این روایت مجعول است. همچنین احادیث گروه‌های دیگر روایان ضعیف را نمی‌توان مجعول شمرد. در آیه نبأ می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُم فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِيبُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر شخصی فاسقی خبری برای شما بیاورد، درباره آن تحقیق کنید، مبدا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید! ﴿(حجرات/۶)

براساس این آیه که خبر فاسق بدون تبیین قابل اعتماد نیست، ولی چنانچه با تبیین حال، صدق خبرش معلوم شد، آیه، روایات و سیره عقلا از عمل به چنین خبری نهی نمی‌کنند و اگر با تبیین، صدق و کذب حدیث معلوم نشد، نمی‌توانیم آن را دروغ بدانیم؛ چون اگر خبر فاسق در واقع یا حکماً با دروغ مساوی بود، قرآن و روایات به تبیین حال و یا توقف از قبول یا رد خبرش فرمان نمی‌دادند. بنابراین، خبر ضعیف - که مجعول بودنش احراز نشده است - باید در منابع روایی حفظ شود و مورد توجه و بررسی علما قرار گیرد؛ چون برخی از آنها ممکن است در اثر تبیین، حجیت پیدا کنند و مورد اعتماد قرار گیرند.

ممکن است به نادرستی حدیثی علم نداشته باشیم و در نگرش ثبوتی نتوانیم مفاد آن را انکار کنیم، ولی درستی آن هم برای ما معلوم نباشد. در چنین مواردی تا ضرورتی برای عرضه و نقد یا دفاع از حدیث نباشد، باید آن را مسکوت گذاشت و علم به حال آن را به اهملش سپرد؛ چون ممکن است دیگران توفیق اثبات درستی آن و دفاع منطقی از آن را پیدا کنند و یا به نادرستی آن علم یابند و آن را عالمانه نقد و انکار کنند.



شرط مقبولیت تأویل احادیث ضعیف

چنان‌که گذشت، حدیثی که قابل تأویل باشد و ساختگی و دروغ‌بودن آن معلوم نباشد را نمی‌توان انکار کرد، ولی هر تأویلی هم در مورد آنها پذیرفته نیست. مقبولیت تأویل احادیث (احسانی فر، ۱۳۸۴، ۱۳۸) در مقام ثبوت به احتمال صدور و درستی آن بستگی دارد و ارزش تأویل به میزان احتمال قصد چنین معنایی از طرف معصوم می‌باشد؛ بنابراین، تأویل در مقام ثبوت زمانی پذیرفته است که قطع عقلی یا نقلی برخلاف آن نباشد و ارزش آن در حد احتمال صدور و صحت آن است. مقبولیت تأویل در مقام اثبات به سه شرط بستگی دارد: ۱. آن تأویل با عرف مخاطبان معصوم سازگار باشد. ۲. چنانچه تأویل با عرف سازگار نبود، برای مقبولیت آن باید در آیات و روایات محکم، قرینه روشن و مورد قبول عرف برای آن وجود داشته باشد و اگر تأویل، مورد قبول عرف نباشد و آیات و روایاتی که برای تأیید تأویل مورد استفاده قرار می‌گیرند، روشن نباشند، از مصادیق ارجاع متشابهات به متشابهات خواهد بود که از آن منع شده است و متشابهات یا باید به محکومات برگردانده شود و یا در تأویل آن توقف کرد. ۳. تأمین اعتبار حدیث از ناحیه صدور، به گونه‌ای که با جبران ضعف سند به وسیله قرائن و شواهد و طرق اعتباریابی، حدیث مزبور نصاب لازم را در دانشی که مورد استناد قرار می‌گیرد، یافته باشد. براساس معیارهای به دست آمده از روش صحیح نقد و تأویل حدیث، در ادامه بحث به بررسی فایده‌های احادیث ضعیف اشاره می‌شود

فواید احادیث ضعیف

در میان انواع احادیث ضعیف، فقط احادیثی که مجعول‌بودن آنها معلوم است، در دو نگرش ثبوتی و اثباتی فایده‌ای بر آنها مترتب نیست و جمع‌آوریشان از باب بیان مجعول‌بودنشان می‌تواند مفید باشد. از احادیث مجعول که بگذریم، دیگر احادیث ضعیف، هرکدام به اندازه احتمال صدقشان مفید هستند و جمع‌آوری و توجه به آنها در کلام و منظومه فکری امامیه لازم است تا از فواید احتمالی آنها محروم نمانیم.

فواید حدیث ضعیف در نگرش اثباتی

نگرش اثباتی به حدیث، روشی علمی است که در پی اثبات حجیت حدیث برای به‌کارگیری در مرحله عمل است؛ به همین خاطر حدیث ضعیف در این مقام زمانی مثر مثر خواهد بود که حجیت آن ثابت شود و فایده حدیث ضعیف در حوزه‌های مختلف علمی، به میزان ثابت شدن حجیتش، در آن حوزه خواهد بود.

شرایط حجیت حدیث ضعیف

علما در مورد حجیت حدیث دو گروه هستند؛ برخی به حجیت خبر ثقه فائل هستند و فقط اخباری را حجت می‌دانند که راویان خبر در همه طبقات ثقه باشند و خبری که سند آن ضعیف باشد را حجت نمی‌دانند. بر این اساس، آنچه در ادامه در خصوص تبیین خبر برای وثوق به آن بیان خواهد شد، مفید نخواهد بود. برخی دیگر معتقدند که ملاک در حجیت حدیث وثوق به آن و خبر ثقه یکی از راه‌های وثوق به حدیث است؛ ولی حدیثی که سند آن ضعیف است، نمی‌تواند حجیت داشته باشد؛ مگر آنکه براساس آیه نبأ، از راه تبیین و گواهی قرائن و شواهد حجیت پیدا کند و مورد وثوق گردد. بعد از تبیین و حصول وثوق، می‌توان به این احادیث ضعیف استناد کرد. تبیین بیشتر این مطلب به بیان نکات ذیل وابسته است.

الف) بررسی قوت و ضعف سند و دامنه اعتبار آن

حدیث از لحاظ قوت و ضعف سند به چند دسته تقسیم می‌شود؛ ۱. حدیث موجب قطع یقین؛ ۲. حدیث اطمینان‌آور که از نظر عرفی علم به حساب می‌آید؛ ۳. حدیث موجب وثوق به خبر؛ میزان وثوق به صدور خبر در حدی است که معمولاً عقلاً بر آن اعتماد می‌کنند و احتمال خلاف را نادیده می‌گیرند؛ ۴. حدیث موجب ظنی است که دلیلی بر اعتبارش نیست؛ ۵. حدیثی که به صدور آن شک داریم، خواه دو طرف شک مساوی باشد یا احتمال صدور کمتر باشد؛ ۶. حدیثی که به عدم صدور آن قطع و یقین داشته باشیم (طوسی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۹۱). در میان این گروه‌ها، دامنه اعتبار حدیث در عرصه‌های مختلف مثل کلام، تفسیر، تاریخ، فقه و... تابع دلایلی است که ادله اثباتی این دانش‌ها را اعتبار می‌بخشد. بنابراین در برخی موضوعات کلام که به تصدیق جازم نیاز دارد، فقط احادیث موجب قطع کاربرد دارند؛ اما در دانش‌ها و موضوعاتی که دلایل اعتبار ادله، مرتبه پایین‌تر از قطع را اعتبار می‌بخشند، به تبع دلایل اعتبار ادله، برخی از گروه‌های بعدی احادیث نیز اعتبار می‌یابند. همان‌طور که در مباحث قبلی روشن شد، احادیث مورد وثوق عقلاً در کشف منظومه فکری معتبرند و احادیثی که به درجه وثوق نرسیده‌اند، چنانچه حجیت آنها - از باب توسعه تعبدی در سیره - ثابت شود، می‌توانند در احکام عملی کاربرد داشته باشند.

ب) حجیت یافتن حدیث ضعیف با تبیین

حدیث گاهی با تبیین حجیت پیدا می‌کند که اثبات آن در آیه نبأ گذشت. دلایل حجیت حدیث در پژوهش‌های اثباتی به دو چیز بستگی دارد؛ نخست، علم به صدور حدیث که از هر راهی پیدا شود در همه دانش‌ها حجت است. دوم، اطمینان یا وثوق به صدور حدیث



تا جایی حجت است که دلایل حجیت خبر در آن دانش اقتضا می‌کند. وثوق به صدور از هر راهی پیدا شود که کاربردش مورد امضای شارع است، باعث حجیت آن خواهد بود؛ هر چند اصطلاحاً سندش ضعیف باشد و صحت سند، وثاقت راوی و حسن حالش یکی از راه‌های پیدایش وثوق به صدور حدیث است. بنابراین، قطع و اطمینان یا وثوق عقلایی به خبر از هر راهی به دست آید، باعث حجیت آن حدیث خواهد بود (مامقانی، ۱۴۱۱، ج: ۱، ۱۸۵).

ج) عوامل تبیین حدیث ضعیف

گروهی از حدیث‌شناسان و مجتهدان بزرگ شیعه (ایزدپناه، ۱۳۷۶، ۲۳) از دیرباز، به عوامل تبیین حدیث عنایت کامل داشته‌اند. کلینی (م ۳۲۹ق) در تألیف کافی، علاوه بر عنایت به روش راوی‌شناسی در اثبات صدور، شیوه قرائن دیگر را نیز به کار گرفته است. از این رو، صحیح نزد قدما غیر از صحیح در اصطلاح متأخران است (بهبهانی، ۱۴۱۵، ۴۸۷)؛ چون صحیح نزد قدما عبارت از چیزی است که به صدور آن از معصوم، اطمینان وجود دارد؛ اعم از اینکه منشأ اطمینانش این باشد که راوی از اهل عدالت و وثاقت است یا نشانه‌های خارجی که باعث وثوق به صدور حدیث یا اطمینان به صحت مضمون آن می‌شود.

قرینه‌های معتبر اقسامی دارند؛ برخی بر ثبوت و صدور خبر از معصومین علیهم‌السلام و بعضی بر صحت مضمون آن هر چند جعلی بودن آن محتمل باشد؛ بنابراین در همه این قرائن نمی‌توان صدور آن از معصوم را نتیجه گرفت؛ بلکه از برخی از آنها تنها می‌توان صحیح بودن مضمون و محتوای آن حدیث را نتیجه بگیریم (طوسی، ۱۴۱۷، ج: ۱، ۱۴۳-۱۴۵). قرائنی که باعث اطمینان یا وثوق به صدور حدیث می‌شوند، ممکن است قرائن سندی یا قرائن حاصل از محتوا و مضمون حدیث باشند. اطمینان یا وثوق به صدور حدیث ضعیف (بهبهانی، ۱۴۱۵، ۴۸۷)، در اثر تراکم ظنون حاصل می‌شود که ممکن است یک عامل به تنهایی یا چند عامل باهم باعث به وجود آمدن چنین اطمینان یا وثوقی بشوند که این عوامل عبارتند از (عاملی، ۱۴۰۹، ج: ۳۰، ۲۴۳):

۱. تعدد طرق و اسانید که در نگرش مجموعی به احادیث اگر به حد استفاضه برسد (عاملی، ۱۴۰۱، ۹۸)، نزد بسیاری از عالمان حجت خواهد بود.
۲. تعدد روایات ضعیف (بروجردی، ۱۳۸۰، ۸۳؛ حسینی قزوینی، ۱۴۲۴، ۲۳۴) و پشتیبانی مضمون یکدیگر به حدی که به مرحله قطع، اطمینان یا وثوق برسد.
۳. قوت کتابی که منبع حدیث است؛ مانند بودن حدیث در کتب اصول اربعه‌آمّه، یا کتب متداول مشهور، یا حدیث از کتاب‌هایی باشد که اعتماد بر آن شیوع پیدا کرده و یا حدیث در اصلی که انتسابش به یکی از اصحاب اجماع مانند زراره معروف است، باشد

(مامقانی، ۱۴۱۱، ج: ۱؛ ۱۳۹؛ کلینی، ۱۴۲۹، ج: ۱؛ ۹۰؛ شهید ثانی، ۱۳۷۹، ج: ۱؛ ۱۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۳۲، ج: ۱؛ ۱۳۴).

۴. ویژگی‌های متن حدیث، گفتار و کردار معصوم تجلی شخصیت متعالی اوست. از این رو، در برخی جاها که امکان ظهور این شخصیت متعالی وجود داشته، احادیث نقل شده تعبیر و مضمون بسیار عالی دارند که اگر کسی بر اثر ممارست علمی، فنی و سبک‌شناسی توان تشخیص علو مضمون را داشته باشد، می‌تواند از این راه صدور حدیث را اثبات کند.

ملاک عدم تردید بسیاری از محققان اسلامی در صدور نهج البلاغه، صحیفه سجّادیه و دعا‌های معروف مانند دعای ابوحمزه ثمالی و زیارت جامعه کبیره و...، همه براساس همین روش در نقد حدیث است (قربانی، ۱۳۷۰، ۲۷۸-۲۸۲).

۵. موافقت حدیث با قرآن (حلی، ۱۴۰۳، ۱۴۸؛ رستمی، ۱۳۸۰، ج: ۱؛ ۶۱).

۶. موافقت با سنت قطعی (طوسی، ۱۴۱۳، ج: ۱؛ ۴۵).

۷. موافق بودن حدیث ضعیف با دلیل عقلی.

۸. عمل مشهور به حدیث ضعیف و شهرت فتواییه (بروجردی، ۱۳۸۰، ۷۹ و ۲۸۱؛

سیفی مازندرانی، ۱۴۲۱، ۱۲۵).

۹. موافق بودن با اجماع.

۱۰. نداشتن معارض (طوسی، ۱۴۱۳، ج: ۱؛ ۴۵).

۱۱. متهم نبودن راوی در آن روایت؛ مثل اینکه موافق اعتقاد او نباشد. روایات عامه در مورد معجزات ائمه علیهم‌السلام و فضایلشان از این باب است.

۱۲. موافق بودن با تجربه؛ مانند آنچه درباره ویژگی‌های آیات، اعمال و دعاها و خاصیتشان آزموده شده است؛ همچون قرائت آیه آخر سوره کهف به قصد بیداری در ساعتی که اراده می‌شود.

۱۳. سایر قرائن؛ مانند تحقیقات میدانی و بررسی‌های علمی و... .

بنابراین، با بررسی عوامل تبیین حدیث روشن می‌شود که معیار در نقد حدیث، فقط شیوه سندی-رجالی نیست و ضابطه ارزیابی حدیث با چهار معیار صحیح، حسن، موثق و ضعیف، صرفاً در بُعد «تصحیح سند» معتبر است نه در اثبات صدور. البته خبر ثقه می‌تواند عامل وثوق به خبر باشد؛ ولی نمی‌توان براساس معیارها و تعاریف متداول اصطلاحات، بسیاری از روایات را از حیث انتفاع خارج کرد و یا به روایات اعتقادی به عنوان اینکه سندش ضعیف است، بی‌اعتنا بود (مامقانی، ۱۴۱۱، ج: ۱؛ ۱۸۲). با قبول این





روش در اثبات صدور یا صحت حدیث، سلسله‌وظایفی بر دوش پژوهشگران اسلامی افزوده می‌شود؛ بنابراین، ضروری است که پژوهشگران، همه جوامع روایی را از نظر بگذرانند؛ زیرا براساس این شیوه، یافتن دلیل شرعی صرفاً به شرایط راوی منحصر نیست و محقق باید با معیارهای مضمونی و قرائن معین، در دریای روایات منسوب به معصوم غواصی کند و گوهرهای فراوان به چنگ آورد.

فواید حدیث ضعیف در نگرش ثبوتی

حدیث ضعیفی که در مقام اثبات، حجیت آن ثابت نشود و با عوامل تبیین حدیث نتوانیم معتبربودنش را ثابت کنیم، بی ارزش نخواهد بود؛ بلکه در مقام ثبوت فوایدی برای آن متصور است که در صورت تحقق، بسیار ارزشمند خواهد بود. در اینجا به برخی از فواید حدیث ضعیف در مقام ثبوت اشاره می‌شود (احسانی‌فر، ۱۳۸۷، ۲۱-۲۲):

الف) کشف حقایق

تصور برخی حقایق با تصدیقشان همراه است و قضایایی هستند که قیاسات آنها با خودشان است؛ ولی چه بسا عقل و اندیشه انسان‌ها نمی‌تواند آن را بفهمد؛ اما وقتی کسی که دارای فهم بالاتری است به آن توجه داد، می‌تواند آن را درک کند و تصدیق نماید. چه بسیار احادیث ضعیفی که از امام صادر شده و دارای حقایقی از این قبیل است. برخی از روایات هم محقق را به استدلال و برهان آن مطلبی که با خود دارد، راهنمایی می‌کند که ممکن است او با پیگیری همان استدلال موجود در روایت، به حقایق مطلب واقف گردد. فایده روایات ضعیف این است که راه جدیدی را برای انسان باز می‌کند. این راه، حتی اگر قطعی نباشد، فایده دارد؛ راه نو است و لو محتمل هم باشد، کم‌اهمیت نیست. انسان می‌تواند خود، آن راه را دنبال کند تا به نتیجه برسد. گاه ایجاد یک احتمال در حل مسئله، در حد یک راه حل ارزش دارد.

ب) تقویت معنای احتمالی در منظومه فکری

روایات برحسب ویژگی‌های متن و سند و دیگر ویژگی‌ها و قرائن می‌توانند در تأیید و تقویت مراد و معنای احتمالی آیات کریمه، مورد استفاده باشند و هرچه گمان حاصل از این روایات با توجه به خصوصیات نامبرده، قوی‌تر باشد، تأثیر آن در تقویت و تأیید مراد احتمالی آیات کریمه بیشتر می‌شود و حتی گاهی ممکن است به ضمیمه قرائن ظنی دیگر، موجب اطمینان به مراد آیات کریمه گردد (رجبی، ۱۳۸۳، ۱۷۲). به‌عنوان نمونه، علامه طباطبایی (ع) ذیل آیه ۳۷ سوره آل عمران ﴿لَمَّا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا

رِزْقاً﴾ بحث روایی مفصلی دارد و روایات متعددی از تفسیر قمی و عیاشی نقل می‌کند که مضمون آنها بر وحی بر عمران و وجود میوه‌ها در غیر موسم آن برای مریم دلالت دارد. ایشان سپس می‌نویسد:

برخی مفسران شدیداً مضمون این روایات را انکار کرده‌اند و گفته‌اند: این امور (وحی به عمران و وجود میوه در محراب مریم در غیر موسم آن و اینکه سؤال زکریا برای تمیز باشد) طریقی برای اثبات آنها نیست ... و روایات اینجا اسرائیلیات است.

سپس ایشان در پاسخ می‌نویسد:

این سخن حجت نیست و روایات اگرچه واحد است و خالی از ضعف سند نیست و بر شخص بحث‌کننده واجب نیست که آنها را اخذ کند و بر طبق آنها استدلال کند، اما تدبر در آیات، ذهن انسان را به این (روایات) نزدیک می‌کند و آنچه که از ائمه اهل بیت علیهم‌السلام حکایت شده، شامل چیزی غیر جایز نزد عقل نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳: ۱۸۴-۱۸۵؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲، ۱۴۶).

بسیاری اوقات، کلمات ائمه معصومین علیهم‌السلام راه‌های جدیدی را برای بشر باز می‌کند که به‌خودی‌خود مهم است؛ همین که فضای جدید و راهی نو فراراه بشر گشوده شد، خود بزرگ‌ترین فایده است. عقل به منظور دستیابی به تمام احتمالات و محتملات و برای زدودن جهل مرکب و غفلت نسبت به اصل تصور احتمالات گوناگون و محتملات متعدد، خود را ملزم به تفحص در اخبار آحاد، مستفیض و متواتر می‌بیند تا از این رهگذر همه احتمالات قابل توجه در مسئله را بررسی کند.

نتیجه‌گیری

احادیث ضعیف اقسام گوناگونی دارد که به دو بخش «ضعف در سند حدیث» و «ضعف در مضمون حدیث» قابل تقسیم است. جهت نقد، تأویل و دفاع از این احادیث اعتقادی، ابتدا باید نوع نگرش به آنها روشن شود که آیا با رویکرد اثباتی و برای عمل به آن مورد پژوهش قرار می‌گیرد یا با رویکرد ثبوتی و برای رسیدن به واقع. در نتیجه با هر نگرشی، حدیث طبق شرایط و ضوابط همان نوع نگرش نقد و بررسی می‌شود. در نگرش اثباتی، برای دفاع از حدیث باید مطابقت آن با ادله اثباتی معتبر در آن زمینه پژوهش ثابت شود؛ در نتیجه احادیث مورد وثوق در سیره عقلا در تفسیر آیات کاربرد خواهد داشت و اگر حدیث به این درجه از اعتبار نرسد، در تفسیر حجیت ندارد و تنها در حوزه احکام - در



صورت ثابت شدن حجیتش - قابل استناد است. در نگرش ثبوتی، اگر یقین به نادرستی حدیث حاصل شود، می توان آن را انکار کرد، ولی اگر نادرستی حدیث محتمل بود، به میزان احتمال نقد و بررسی می شود و در هر حال چنین حدیثی را نمی توان به کلی انکار نمود.

هر تأویلی در مورد احادیث ضعیف پذیرفته نیست. مقبولیت حدیث در مقام ثبوت به میزان احتمال صدور آن از معصوم بستگی دارد و در مقام اثبات هم تأویل باید با عرف مخاطبان معصوم سازگار باشد و یا در آیات و روایات محکم، قرینه ای روشن برای آن وجود داشته باشد. اگر نسبت به احادیث ضعیف در اثر تبیین وثوق حاصل شود، براساس آیه نبأ این احادیث در مقام اثبات حجت خواهند بود و چنانچه تبیین حاصل نشد، تا زمانی که به نادرستی این احادیث یقین به دست نیامده است، نمی توان آنها را انکار کرد؛ چون در مقام ثبوت دارای فوایدی مثل کشف حقایق و تعیین بخشی به احتمالات طرح شده در منظومه فکری است.

فهرست منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶ش)، الأملی، تهران: کتابچی، چاپ ششم.
۲. _____، (۱۳۸۵ش) علل الشرائع، قم: مکتبه الداوری.
۳. احسانی فر لنگرودی، محمد (۱۳۸۴ش)، «دو رویکرد ثبوتی و اثباتی در نقد حدیث»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم حدیث، ش ۳۷ و ۳۸.
۴. _____ (۱۳۸۷ش)، «دامنه حجیت احادیث تفسیری»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم حدیث، ش ۴۸.
۵. ایزدپناه، عباس (۱۳۷۶)، «اثبات صدور حدیث از طریق مضمون شناسی و متن»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم حدیث، ش ۴.
۶. ایرانی قمی، اکبر (۱۳۷۱ش)، روش شیخ طوسی در تفسیر تبیان، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
۷. بهبهانی، وحید (۱۴۱۵ق)، الفوائد الحائریة، قم: مجمع الفکر الإسلامی.
۸. جلالیان، حبیب الله (۱۳۷۸ش)، تاریخ تفسیر قرآن کریم، تهران: اسوه، چاپ چهارم.
۹. حسینی جلالی، محمدرضا (۱۴۲۲ق/۱۳۸۰ش)، المنهج الرجالی لسید الطائفة آية الله العظمی البروجردی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۱۰. حسینی سیستانی، سید علی (۱۴۱۴ق)، الرافد فی علم الاصول، قم: دفتر آیت الله سیستانی، چاپ اول.

۱۱. حسینی قزوینی، سید محمد (۱۴۲۴ق)، المدخل الى علم الرجال و الدراية، مؤسسة ولي عصر عليه السلام، چاپ اول.
۱۲. حکیم، سید محمدباقر (۱۴۱۷ق)، علوم القرآن، قم: مجمع الفكر الاسلامی، چاپ سوم.
۱۳. خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۷ق)، مصباح الأصول، تهران: کتابفروشی داوری.
۱۴. رجبی، محمود (۱۳۸۳ش)، روش تفسیر قرآن، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
۱۵. رستمی، علی اکبر (۱۳۸۰ش)، آسیب شناسی و روش شناسی تفسیر معصومان عليهم السلام، تهران: کتاب مبین، چاپ اول.
۱۶. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۲ش)، درس نامه روش ها و گرایش های تفسیری قرآن، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول.
۱۷. سبحانی، جعفر (۱۴۱۹ق)، الحديث النبوی بین الرواية و الدراية، قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام، چاپ اول.
۱۸. _____ (۱۴۲۴ق)، اصول الحديث و احكامه، قم: مؤسسه الامام الصادق عليه السلام، چاپ سوم.
۱۹. سیفی مازندرانی، علی اکبر (۱۴۲۱ق)، مقياس الرواية في علم الدراية، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول.
۲۰. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، چاپ دوم.
۲۱. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق)، الميزان في تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۳ق/۱۹۹۲م)، الاستبصار، بیروت: دار الاضواء، چاپ دوم.
۲۳. _____ (۱۴۱۷ق)، العدة، قم: چاپخانه ستاره.
۲۴. عاملی، حسن بن زین الدین (۱۳۶۸ش)، الدراية في علم مصطلح الحديث، قم: انتشارات فیروزآبادی، چاپ سوم.
۲۵. _____ (۱۳۷۹ق)، منتقى الجمال في الاحاديث الصحاح و الحسان، چاپ جاوید.
۲۶. عاملی، حسین بن عبدالصمد (۱۴۰۱ق)، وصول الاخير الى اصول الاخبار، قم: مجمع الذخائر الاسلامیة.



۲۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعة فی تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت علیہ السلام.
۲۸. فضلی، عبدالهادی (۱۳۸۴ش)، اصول حدیث، مترجم: محمدمهدی حقی و ابراهیم اقبال، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل وابسته به انتشارات امیر کبیر، چاپ اول.
۲۹. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۳۲ق/۲۰۱۱م)، الوافی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۳۰. قاسمی، محمد جمال الدین (۱۳۹۹ق)، قواعد التحديث، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
۳۱. قربانی، زین العابدین (۱۳۷۰ش)، علم حدیث و نقش آن در شناخت و تہذیب حدیث، قم: انتشارات انصاریان، چاپ اول.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش)، الکافی، ۸ جلد، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۳۳. _____ (۱۴۲۹ق)، الکافی، ۱۵ جلد، قم: دارالحدیث، چاپ اول.
۳۴. مامقانی، عبدالله (۱۴۱۱ق)، مقباس الہدایة فی علم الدرایة، تحقیق محمدرضا مامقانی، قم: مؤسسه آل البيت، چاپ اول.
۳۵. مؤید، حسین (۱۴۲۳ق)، الدرایة، قم: دار التفسیر، چاپ دوم.
۳۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطہار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
۳۷. محقق حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۰۳ق)، معارج الأصول، قم: مؤسسه آل البيت علیہ السلام.
۳۸. معرفت، محمدهادی (۱۳۸۷ش)، التفسیر الاثری الجامع، قم: مؤسسه التمهید و المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیة، چاپ اول.
۳۹. _____ (۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م)، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، مشهد: الجامعة الرضویة للعلوم الاسلامیة، چاپ اول.
۴۰. میرداماد، سید محمد باقر، الرواشح السماویة فی شرح الاحادیث الامامیة، نسخه خطی.
۴۱. نوروزی، مجتبی (۱۳۸۹ش)، «مفہوم شناسی مخالفات و موافقت حدیث با قرآن»، فصلنامہ علمی پژوهشی علوم حدیث، ش ۵۵.